

به نام خدا

پژواک حسرت در کوچه های شهرمان فریاد میزند

مؤلف :

فروغ نفیسی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: نفیسی، فروغ، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور: پژواک حسرت در کوچه های شهرمان فریاد میزند/ مولف فروغ نفیسی.
مشخصات نشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۸۱۹-۳-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص ۱۳۸-۱۱۱.
موضوع: ادبیات
رده بندی کنگره: RJ۵۱۵
رده بندی دیویی: ۶۱۸/۹۲۹۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۷۶۹۳۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: پژواک حسرت در کوچه های شهرمان فریاد میزند
مولف: فروغ نفیسی

ناشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۲۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۸۱۹-۳-۳

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران
Chaponashr.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷.....	بخش اول.....
۷.....	میراث غول های ادب پارسی.....
۷.....	تأثیر فردوسی: شاهنامه و هویت ملی.....
۹.....	میراث معنوی مولانا: مثنوی و عرفان صوفیانه.....
۱۱.....	حافظ: دیوان و شعرهای عشق.....
۱۳.....	گلستان سعدی: حکمت و ارشاد اخلاقی.....
۱۶.....	همایش پرندگان عطار: تمثیل و اشراق.....
۱۸.....	آثار فلسفی ابن سینا و ملاصدرا.....
۲۰.....	سنت نثر: از هفت پایکار نظامی تا چهار مقالای نظامی عروضی.....
۲۳.....	بخش دوم.....
۲۳.....	کاوش در شعر فارسی.....
۲۳.....	غزلیات: موسیقی عشق و اشتیاق.....
۲۵.....	قصیداس: قصیده به پادشاهان و فرمانروایان.....
۲۷.....	رباعیات: رباعیات عمر خیام.....
۲۹.....	مثنوی: شعر روایی در ادبیات فارسی.....
۳۰.....	مثنوی معنوی: مگنوم اپوس مولانا.....
۳۲.....	غزلیات: دیوان شعر حافظ.....
۳۴.....	جنبش های شعر مدرن: از فرمالیسم جدید تا شعر آزاد.....

بخش سوم..... ۳۷

نثر فارسی: روایات و راویان..... ۳۷

روایات حماسی: شاهنامه و فراتر از آن..... ۳۷

داستان های پیکارسک: ماجراهایی در نثر فارسی..... ۳۹

روایات زندگینامه ای: خاطرات و اعترافات..... ۴۲

تواریخ تاریخی: مستند تاریخ پارسی..... ۴۵

سفرنامه ها: سفرهایی در جستجوی دانش..... ۴۷

آزمایش های نوگرایی در نثر فارسی..... ۵۰

داستان های کوتاه: جهان های مینیاتوری در ادبیات فارسی..... ۵۲

بخش چهارم..... ۵۷

مضامین و نقوش در ادبیات فارسی..... ۵۷

عشق و دلتنگی: معشوق در شعر و نثر فارسی..... ۵۷

حکمت و فلسفه: جستجوی حقیقت در ادبیات فارسی..... ۶۰

طبیعت و محیط زیست: دیدگاه های بوم شناختی در آثار فارسی..... ۶۲

جنگ و صلح: تعارض و حل و بخش در روایات فارسی..... ۶۴

تصوف و عرفان: سیر درونی در ادبیات فارسی..... ۶۶

نقد اجتماعی: تفسیری بر جامعه و فرهنگ..... ۶۹

اومانیسم و جهان شمولی: ادبیات فارسی در گفتگو با جهان..... ۷۱

بخش پنجم..... ۷۵

نوآوری و سنت در ادبیات فارسی..... ۷۵

سیر تحول اشکال و ژانرهای ادبی..... ۷۵

۷۷.....	فنون و سبک‌ها در شعر فارسی
۸۰.....	راهبردهای روایی در نثر فارسی
۸۲.....	سمبولیسم و تمثیل: لایه های معنا در ادبیات فارسی
۸۴.....	نوآوری های زبانی: فارسی به عنوان یک زبان زنده
۸۷.....	بسترهای دیجیتال و آینده ادبیات فارسی
۸۹.....	ترجمه و ترجمه: اشتراک ادبیات فارسی با جهان
۹۳.....	بخش ششم.....
۹۳.....	آینده ادبیات فارسی.....
۹۳.....	صداهاى نوظهور: نویسندگان و گرایش های جدید در ادبیات فارسی
۹۵.....	تکنولوژی و تکامل داستان سرایی
۹۸.....	آگاهی زیست محیطی و ادبیات زیست محیطی
۱۰۱.....	تنوع و شمول: ادبیات فارسی در یک زمینه جهانی
۱۰۳.....	حفظ و ترویج: ابتکاراتی برای پاسداری از میراث ادبی فارسی
۱۰۵.....	آموزش و سواد: ترویج ادبیات فارسی در میان نسل های جدید
۱۰۷.....	نقش منتقدان و پژوهشگران در شکل دادن به آینده ادبیات فارسی
۱۱۱.....	منابع.....

بخش اول

میراث‌های ادب پارسی

تأثیر فردوسی: شاهنامه و هویت ملی

شاهنامه که به نام کتاب شاهان نیز شناخته می‌شود، به عنوان اثری به یاد ماندنی در ادبیات فارسی است که توسط شاعر گرانقدر فردوسی در اواخر قرن یازدهم میلادی سروده شده است. تأثیر آن در شکل‌گیری هویت ملی فارسی قابل اغراق نیست. اثر مگنوم فردوسی، متشکل از بیش از ۵۰۰۰۰ دوبیتی، سنگ بنای میراث فرهنگی پارسی است و جوهر گذشته تاریخی و اساطیری ایران را در بر می‌گیرد. شاهنامه از طریق روایت خود نه تنها حافظه جمعی ایران باستان را حفظ کرده، بلکه در ساختن و تقویت هویت ملی مردم ایران نیز نقشی محوری داشته است (خالقی مطلق، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

تصویر فردوسی از شخصیت‌های قهرمان و رویدادهای افسانه‌ای در شاهنامه به شکل‌گیری هویت متمایز ایرانی کمک شایانی کرده است. این منظومه حماسی کارنامه شاهان و جنگجویان اسطوره‌ای را بازگو می‌کند و شجاعت، شرافت و فداکاری آنها را در برابر ناملایمات به نمایش می‌گذارد. شخصیت‌هایی مانند رستم، سهراب و زال به چهره‌های نمادین فرهنگ ایرانی تبدیل شده‌اند که مظهر فضایی هستند که در طول نسل‌ها با ایرانیان طنین‌انداز می‌شود. داستان سرایی استادانه فردوسی نه تنها سرگرم

کننده است، بلکه حس غرور و احترام به میراث غنی فرهنگی ایران را القا می کند (دیویس، ۱۳۹۵، ص ۷۲).

علاوه بر این، شاهنامه به عنوان مخزن زبان و سنت ادبی فارسی عمل می کند و تأثیر عمیقی بر نسل های بعدی نویسندگان و شاعران می گذارد. استفاده فردوسی از فارسی کلاسیک، همراه با هنر شاعری او، معیاری برای تعالی در ادبیات فارسی قرار داد که تا امروز الهام بخش هنرمندان است (پورشریعتی، ۱۳۹۷، ص ۸۸). محبوبیت ماندگار شاهنامه بر اهمیت آن به عنوان سنگ محک فرهنگی برای ایرانیان در سراسر جهان تأکید می کند که از مرزهای زمانی و جغرافیایی فراتر رفته است.

شاهنامه علاوه بر شایستگی ادبی، نقش بسزایی در ایجاد حس وحدت و غرور ملی در میان ایرانیان داشته است. فردوسی با روایت پیروزی ها و مصیبت های پهلوانان ایرانی باستان، پیوندی میان گذشته و حال ایجاد کرد و آگاهی جمعی را که ریشه در میراث شکوهمند ایران داشت، پرورش داد (تفضلی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲). مضامین دلاوری، عدالت و پایداری حماسه با آرزوهای ایرانیان برای آینده ای بهتر طنین انداز می شود و حس تعلق آنها به تمدنی با سابقه با میراثی غنی را تقویت می کند.

علاوه بر این، انتخاب عمدی فردوسی برای نگارش شاهنامه به زبان فارسی و نه عربی، پیامدهای سیاسی و فرهنگی عمیقی به همراه دارد. در عصری که با تسلط زبان عربی به عنوان زبان ادبی و اداری در دنیای فارسی گرایی مشخص شده است، تصمیم فردوسی برای احیاء و اعتلای زبان فارسی بیانگر تأکید گسترده تری از هویت فرهنگی ایرانی است (هیلمن، ۲۰۱۱، ص ۴۵). فردوسی با بازپس گیری زبان فارسی به عنوان محملی برای هنر والا و بیان ملی، زمینه شکوفایی ادبیات فارسی را در قرون بعدی فراهم کرد.

محبوبیت پایدار و اهمیت فرهنگی شاهنامه در تداوم ارتباط آن در ایران معاصر مشهود است. شعر حماسی منبع الهام هنرمندان، نویسندگان و فیلمسازان است که مضامین و شخصیت های آن را از طریق رسانه های مختلف بازتفسیر می کنند (کاتوزیان، ۱۳۹۵،

ص ۱۷۸). چه در ادبیات، چه در تئاتر و چه در فرهنگ عامه، ارجاعات به شاهنامه فراوان است و همواره یادآور میراث غنی فرهنگی و هویت جمعی ایران است.

شاهنامه فردوسی گواهی بر قدرت ماندگار ادبیات در شکل دادن به هویت ملی است. فردوسی با بازگویی حماسی خود از اساطیر و تاریخ ایرانی، اخلاق ایران باستان را جاودانه کرده است و نسل‌های ایرانی را الهام می‌دهد تا میراث فرهنگی خود را با افتخار و تکریم در آغوش بگیرند. شاهنامه به‌عنوان متنی بنیادی از ادبیات فارسی، همچنان در میان مخاطبان سراسر جهان طنین‌انداز می‌کند و بر ارتباط بی‌زمان و میراث ماندگار آن در شکل‌دهی هویت مردم ایران تأکید می‌کند.

میراث معنوی مولانا: مثنوی و عرفان صوفیانه

مولانا، شاعر و عارف پارسی قرن سیزدهم، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های ادبیات فارسی است که میراث معنوی او همچنان بر خوانندگان سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. محور اصلی مجموعه ادبی مولانا، «مثنوی» است، مجموعه‌ای از ابیات عرفانی که عمیقاً در قلمروهای عرفان صوفیانه می‌کاود. مولانا از طریق مثنوی به بیان جنبه‌های مختلف معنویت می‌پردازد و داستان‌ها، تمثیل‌ها و بینش‌های عمیقی از ماهیت هستی و روح انسان را در هم می‌آمیزد. آثار او فراتر از زمان و فرهنگ است و حکمت و راهنمایی بی‌زمانی را به جویندگان حقیقت و تحقق معنوی ارائه می‌دهد (فلود، ۲۰۱۵، ص ۸۲).

در قلب میراث معنوی مولانا، تعامل عمیق او با عرفان صوفیانه نهفته است. تصوف، یک سنت عرفانی اسلامی، بر سیر درونی روح به سوی اتحاد با الهی تأکید دارد. مثنوی مولانا به عنوان راهنمای معنوی عمل می‌کند و خوانندگان را دعوت می‌کند تا در کنار شاعر این سفر تحول‌آفرین را آغاز کنند. مولانا از طریق داستان‌های تمثیلی و تأملات متافیزیکی، مسیر بیداری معنوی را روشن می‌کند و سالکان را به سوی درک عمیق‌تر خود و کیهان هدایت می‌کند (نصر، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵).

مثنوی که غالباً از آن با عنوان «قرآن به زبان فارسی» یاد می شود، نشان دهنده احترام عمیق مولانا به تعالیم اسلامی و تعهد او به انتقال حقایق معنوی از طریق شعر است (ارجمند، ۱۳۹۷، ص ۴۵). مولانا در کاوش در مضامین صوفیانه مانند عشق، ایثار و جستجوی حقیقت، به طور گسترده از کتاب مقدس و سنت اسلامی استفاده می کند و لایه‌هایی از معنا را در آیات خود می‌افزاید که با خوانندگان در فرهنگ‌ها و نسل‌ها طنین‌انداز می کند (کشاوری، ۱۳۸۵، ص ۷۳).

یکی از موضوعات محوری مثنوی، مفهوم عشق به عنوان نیرویی دگرگون کننده در سیر به سوی وصال الهی است. شعر مولانا هم عشق انسانی و هم عشق الهی را تجلیل می کند و عشق را به عنوان مسیر نهایی تحقق معنوی به تصویر می کشد (لوپسون، ۲۰۱۸، ص ۹۲). مولانا با روایات گیرا و اشعار غنایی اشتیاق روح برای پیوند با معشوق را به تصویر می کشد، چه معشوق زمینی و چه معشوق الهی، الله. این مضمون عاشقانه در تمام مثنوی رسوخ می کند و به عنوان چراغی راهنما برای سالکان راه عرفان است (پورجوادی و ویلسون، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳).

مثنوی علاوه بر عشق، به جنبه های مختلف دیگر عرفان صوفیانه، از جمله مفهوم وحدت الهی (توحید) و اهمیت هدایت معنوی (صحبه) می پردازد. مولانا بر اهمیت شناخت حضور الهی در همه شئون هستی تاکید می کند و خوانندگان را ترغیب می کند که از محدودیت های نفس فراتر رفته و یگانگی خلقت را در آغوش بگیرند (چیتیک، ۱۳۸۴، ص ۶۷). مولانا از طریق داستان‌های تمثیلی مانند داستان «فیل در تاریکی»، محدودیت‌های ادراک انسان و لزوم راهنمایی گرفتن از صاحبان بینش معنوی را به تصویر می‌کشد (مافی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴).

علاوه بر این، مثنوی برای افرادی که با پیچیدگی های زندگی و نامشخص بودن شرایط انسانی دست و پنجه نرم می کنند، منبع تسلی و الهام است. شعر مولانا پیامی از امید و پایداری ارائه می دهد و گذرا بودن امور دنیوی و سرشت جاودانه روح را به خوانندگان یادآوری می کند (ارنست، ۱۳۹۵، ص ۸۸). در مواقع ناملازمات و آشفتگی، حکمت

موجود در مثنوی موجب آسایش و اطمینان خاطر می شود و خوانندگان را تشویق می کند که به حضور الهی که در دل خودشان است پناه ببرند (مجددی، ۱۳۸۷، ص ۵۵).

علاوه بر این، میراث معنوی مولانا فراتر از محدودیت های ادبیات است و بر جنبه های مختلف فرهنگ و جامعه فارسی تأثیر می گذارد. آموزه های او افراد بی شماری را برانگیخته است تا سفرهای معنوی خود را آغاز کنند و به دنبال روشنگری و آرامش درونی باشند (متحده، ۱۳۹۵، ص ۷۶). از علما و شاعران گرفته تا مردم عادی که در زندگی روزمره خود به دنبال راهنمایی هستند، سخنان مولانا همچنان در میان مخاطبان با هر پیشینه ای طنین انداز می شود و از موانع زبانی و فرهنگی فراتر می رود (رحمان، ۲۰۱۹، ص ۱۱۱).

مثنوی مولانا گواهی بر قدرت ماندگار ادبیات فارسی در الهام بخشیدن و اعتلای روح انسان است. مولانا از طریق کاوش در عرفان صوفیانه و بینش عمیق خود در ماهیت هستی، خوانندگان را به سفری برای خودیابی و بیداری معنوی دعوت می کند. شعر او همچنان با مخاطبان در سراسر جهان طنین انداز می شود و حکمت و راهنمایی جاودانه را به جویندگان حقیقت و روشنایی ارائه می دهد (بیات، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

حافظ: دیوان و شعرهای عشق

حافظ، یکی از مشهورترین شاعران ادبیات فارسی، با دیوان خود، مجموعه ای از غزلیات، یا غزلیات، آثاری از خود بر جای گذاشته است. آثار او در طول قرن ها خوانندگان را با تأملات عمیق خود در مورد عشق، معنویت و شرایط انسانی مجذوب خود کرده است. این بخش به پیچیدگی های دیوان حافظ می پردازد و شعرهای عاشقانه ای را که در شعر او نفوذ می کند، بررسی می کند و بر ارتباط و تأثیر ماندگار آن روشن می سازد.

دیوان حافظ گواهی بر سنت غنی شعر فارسی است که تسلط او بر زبان و فرم را به نمایش می گذارد. غزلیات او که با زیبایی غنایی و عمق عاطفی مشخص می شود، الهام بخش نسل های شاعر و محقق بوده است. محور شعر حافظ، مضمون عشق است که

او با شیوایی و حساسیتی کم نظیر به بررسی آن می پردازد. ابیات حافظ چه در نمایش شور زمینی و چه عشق الهی با حقایق جهانی و حکمت جاودانه طنین انداز است (سید گوهراب، ۱۳۹۷، ص ۲۵).

مفهوم عشق در شعر حافظ فراتر از محبت عاشقانه است. این یک بعد معنوی عمیق را در بر می گیرد. از نظر حافظ عشق نیروی دگرگون کننده ای است که فرد را به امر الهی پیوند می دهد. شعر او منعکس کننده مفهوم صوفیانه «ایشق» یا عشق وجدآمیز است که در آن عاشق شیفته معشوق می شود و از مرزهای جهان مادی فراتر می رود (پورجوادی و طلاطف، ۲۰۱۹، ص ۱۱۲). حافظ از طریق تصاویر و استعاره های پیچیده، تجربه وصف ناپذیر اتحاد با معشوق را تداعی می کند و خوانندگان را به تأمل در اسرار هستی دعوت می کند.

ویژگی رفتار حافظ با عشق در دیوان خود، ماهیت چندوجهی آن است که هر دو قلمرو زمینی و معنوی را در بر می گیرد. او در غزلیات خود به بررسی پویایی روابط انسانی می پردازد و شادی های همنشینی را جشن می گیرد و از دردهای جدایی می نالد. حافظ در عین حال شعر خود را با نمادگرایی عرفانی آغشته می کند که در آن عشق استعاره ای از سیر روح به سوی اشراق می شود (رضوی، ۱۳۹۹، ص ۸۷). بنابراین، آیات او با لایه هایی از معنا طنین انداز می شود و خوانندگان را به کاوش عمیق تر در رازهای عشق و اشتیاق دعوت می کند.

یکی از ویژگی های بارز شعر حافظ، استفاده او از قالب غزل است، ساختار شعر سنتی فارسی که با متری غنایی و طرح قافیه آن مشخص می شود. هر غزل شامل یک سری دوبیتی یا «بیت» است که با یک متر و الگوی قافیه مشترک به هم متصل شده اند. در این چهارچوب، حافظ مهارت قابل توجهی از خود نشان می دهد و تصویرسازی، بازی با کلمات و موسیقی را در هم می پیوندد تا ابیاتی از زیبایی نفیس خلق کند (هیلمن، ۲۰۱۷، ص ۴۹). تسلط او در قالب غزل باعث شده است که او به عنوان یکی از بزرگترین شاعران تاریخ ادبیات فارسی شناخته شود.

مضامین عشق و اشتیاق در شعر حافظ غالباً با نقوش شراب و عیاشی آمیخته است و سنت عرفانی تصوف ایرانی را تداعی می کند. شراب در غزلیات او نمادی از اثرات مست کننده عشق الهی است که در آن عاشق از وجد اتحاد با معشوق مست می شود (لوپسون، ۲۰۱۸، ص ۱۶۳). این نمادگرایی نشان دهنده درگیری عمیق حافظ با عرفان صوفیانه است که در آن شراب به عنوان استعاره ای برای مستی معنوی و تعالی عمل می کند.

کاوش عشق حافظ در دیوان خود نیز سرشار از عناصر عرفان و تحقیق فلسفی است. شعر او با تکیه بر مفاهیمی چون «وحدت هستی» و «عشق کیهانی» بازتابی از درک عمیق عرفان و فلسفه ایرانی است (نصرالله پور، ۱۳۹۱، ص ۷۵). حافظ در ابیات خود به پرسش های وجودی انسان می پردازد و به ماهیت واقعیت و هدف نهایی زندگی می اندیشد. بنابراین، شعر او به عنوان یک مراقبه عمیق در مورد اسرار هستی عمل می کند و خوانندگان را به تأمل در ابعاد عمیق تر واقعیت دعوت می کند.

دیوان حافظ به عنوان شاهکاری از ادبیات فارسی ایستاده است و مهارت بی نظیر او در شاعری و بینش عمیق او را در مورد شرایط انسانی به نمایش می گذارد. حافظ با کاوش در عشق، خوانندگان را به سفری برای خودشناسی و اشراق معنوی دعوت می کند و آنها را به تأمل در اسرار هستی و ماهیت الهی ترغیب می کند. شعر او همچنان الهام بخش و طنین انداز خوانندگان در سراسر فرهنگ ها و نسل ها است و جایگاه او را به عنوان یکی از بزرگ ترین شخصیت های ادبی تاریخ فارسی تأیید می کند.

گلستان سعدی: حکمت و ارشاد اخلاقی

گلستان سعدی به عنوان شاهدی جاودانه بر تأثیر ماندگار ادبیات فارسی است که حکمت و راهنمایی اخلاقی عمیقی را ارائه می دهد که فراتر از زمان و فرهنگ است. گلستان (باغ گل سرخ) که توسط شاعر نامدار ایرانی سعدی شیرازی در قرن سیزدهم نوشته شده، یک شاهکار ادبی ارزشمند باقی مانده است که به خاطر حکایات روشنگر، درس های اخلاقی و تأملات عمیق در مورد طبیعت انسان مورد تحسین قرار می گیرد.

این بخش به کاوش در ملایه‌های غنی گلستان سعدی می‌پردازد و مضامین حکمت و راهنمایی اخلاقی و ارتباط ماندگار آن در دنیای امروز را بررسی می‌کند.

گلستان سعدی به خاطر روایات روشنگرانه و آموزه های اخلاقی اش که عمیقاً ریشه در سنت های فرهنگی و فلسفی فارسی دارد، مشهور است. متن به طور یکپارچه حکایات، تمثیل‌ها و قصارها را به هم می‌پیوندد تا درس‌های بی‌زمانی را در باب اخلاق، اخلاق و رفتار انسانی ارائه دهد (شیرازی، ۱۳۵۸). سعدی با استفاده از داستان سرایی زنده و تصاویر تمثیلی، حکمتی را به خوانندگان در نسل‌ها و فرهنگ‌ها منتقل می‌کند و راهنمایی می‌کند که چگونه می‌توان پیچیدگی‌های زندگی را با صداقت و دلسوزی طی کرد.

یکی از موضوعات محوری گلستان اهمیت همدلی و همدردی با دیگران است. داستان‌های سعدی غالباً شخصیت‌هایی را به تصویر می‌کشند که مهربانی و سخاوت را نسبت به هم‌نوعان خود نشان می‌دهند و بر ارزش نوع‌دوستی و همدلی در ایجاد هماهنگی و انسجام اجتماعی تأکید می‌کنند (شیرازی، ۱۳۵۸). به عنوان مثال، سعدی در داستان «عرب و شترش» مفهوم همدلی را از دریچه عرب دلسوزی که رفاه شتر خود را بر آسایش خود مقدم می‌دارد، به تصویر می‌کشد (شیرازی، ۱۳۵۸). این روایت به عنوان یادآوری تکان دهنده از الزام اخلاقی برای گسترش شفقت و همدلی نسبت به همه موجودات زنده است.

علاوه بر این، گلستان مفهوم درستی و درستی اخلاقی را بررسی می‌کند و اهمیت صداقت، درستکاری و پایبندی به اصول اخلاقی را در رفتار فرد برجسته می‌کند. سعدی فریبکاری و نفاق را موعظه می‌کند و در عین حال فضایل صداقت و درستکاری را از صفات ضروری برای داشتن یک زندگی با فضیلت و رضایت می‌داند (شیرازی، ۱۳۵۸). سعدی از طریق حکایاتی مانند «آداب شاهان» و «خسیس و طلاهایش» بر ماهیت زودگذر ثروت دنیوی و ارزش ماندگار درستی اخلاقی و رفتار اخلاقی تأکید می‌کند.